

مسجد سنگے و آسیاب سنگے داراب

(بررسی تاریخی)

دکتر میرزا محمد حسنی



مسجد سنگے وآسیاب سنگے داراب

(بررسی تاریخی)

تألیف:
دکتر میرزا محمد حسنی



انشارات طہوری

سرشناسه	: حسنی، میرزا محمد.
عنوان و نام پدیدآور	: مسجد سنگی و آسیاب سنگی داراب (بررسی تاریخی) / تألیف: میرزا محمد حسنی.
مشخصات نشر	: تهران: طهوری، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۴ ص.: مصور، جدول.
شابک	: 978-600-5911-50-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۸۵.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: داراب - آثار تاریخی.
موضوع	: Darab (Iran) Antiquities
موضوع	: مسجد سنگی
موضوع	: آسیاب سنگی (داراب)
موضوع	: شبانکاره (قوم)
موضوع	: Shabankareh (Iranian people)*
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ح ۵ الف / RSD۲۰۸۷
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۶۳۴۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۱۰۲۵۰



انتشارات طهوری

شماره ۱۳۰۴، خیابان انقلاب، صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۴۵
تلفن ۶۶۴۰۶۳۳۰ - فکس ۶۶۴۸۰۰۱۸

مسجد سنگی و آسیاب سنگی داراب

(بررسی تاریخی)

دکتر میرزا محمد حسنی

چاپ اول، ۱۳۹۶

صفحه آرایشی: مؤسسه علم روز

ناظر فنی چاپ: بهروز مستان

صحافی: نوری

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

حقوق چاپ و نشر برای انتشارات طهوری محفوظ است

قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

درآمد.....	۱۱
فصل اول- بررسی کتیبه‌های اسلامی سده ۷ هـ. ق در مسجد سنگی داراب.....	۱۳
۱-۱- کتیبه بانی بنا بر سردر رواق ورودی مسجد سنگی.....	۱۶
۱-۲- کتیبه سال بر دیواره مسجدسنگی و کتیبه مشابه بر دیواره آسیاب سنگی.....	۲۲
۱-۳- کتیبه محراب اسلامی مسجد سنگی.....	۲۳
۱-۴- بازخوانی کتیبه‌های اسلامی سده ۷ هـ. ق در مسجد سنگی.....	۲۸
۱-۵- کتیبه یادمانی جدید بر یکی از ستون‌های مسجد سنگی.....	۳۲
فصل دوم- بررسی و نقد نظرات مختلف ارائه شده در مورد کارکرد بنای مسجد سنگی داراب.....	۳۳
۲-۱- نقد نظرات ارائه شده درباره نیایشگاه مهری بودن مسجد سنگی.....	۳۶
۲-۲- نقد نظرات ارائه شده در مورد آتشکده بودن مسجدسنگی.....	۴۴
۲-۳- نقد و بررسی نظر ارائه شده در مورد کلیسا بودن مسجدسنگی.....	۴۷
۲-۴- بررسی دلایل اسلامی بودن بنای مسجد سنگی.....	۵۰
فصل سوم- بررسی چند مبحث مرتبط با بنای مسجد سنگی داراب.....	۵۹
۳-۱- بررسی شواهد تاریخی مرتبط با شهر جنت.....	۶۱
۳-۲- چگونگی ساخت مسجد سنگی و کاربرد حوض وسط صحن.....	۷۰
۳-۳- معرفی سه سکه مسی از دو تن از ملوک شبانکاره.....	۷۸
۳-۴- مدایح کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی در وصف ملک مظفرالدین محمد بن مبارز.....	۸۹
۳-۵- خلاصه پژوهش‌های صورت گرفته درباره بنای مسجدسنگی.....	۹۳

۱۰۷.....	۳-۶ بررسی نقاشی‌ها و عکس‌های قدیمی مسجدسنگی.....
۱۱۳.....	فصل چهارم - آسیاب سنگی خیرآباد داراب.....
۱۱۵.....	۴-۱ معرفی بنای آسیاب سنگی.....
۱۱۹.....	۴-۲ قوانین رایج در مورد آسیاب و آسیابان در سده ۷ ه. ق.....
۱۲۰.....	۴-۳ معرفی کتیبه‌های سده ۷ ه. ق آسیاب سنگی.....
۱۲۱.....	۴-۴ معرفی کتیبه قاجاری آسیاب سنگی.....
۱۲۴.....	۴-۵ معرفی سند اجاره قاجاری آسیاب سنگی.....
۱۳۱.....	تصاویر.....
۱۷۱.....	نمایه.....
۱۸۵.....	کتابنامه.....

درآمد

بنای مسجدسنگی داراب بی شک یکی از بحث برانگیزترین آثار در تاریخ معماری ایران است. کمتر بنایی وجود دارد که همانند مسجد سنگی با توجه به معماری خاص صخره‌ای، با فرضیات متعدد و ضد و نقیض در تاریخ‌گذاری و نوع کارکرد مواجه شده باشد. در پژوهش‌های گسترده صورت گرفته درباره این اثر عمدتاً به بررسی کارکرد بنا و قدمت تاریخی آن توجه شده و عملاً تلاش چندانی برای بازخوانی کتیبه‌های تاریخی این اثر صورت نگرفته است. در فرضیات متفاوت، قدمت این اثر تاریخی بین دوره ایران باستان و دوره اسلامی شناور است. بررسی کارکرد متفاوت این اثر در پژوهش‌های انجام شده به استناد شواهد تاریخی و شاخصه‌های معماری صورت گرفته است. به طور کلی این اثر به عنوان بنایی با کارکردهایی چون: نیایشگاه مهری، آتشکده ساسانی، معبد بودایی، کلیسای مسیحی، کاروانسرا، رباط، قلعه دختر و سرانجام مسجد اسلامی معرفی شده است. در اثر حاضر سعی شده با بررسی میدانی اثر، بازخوانی کتیبه‌های تاریخی بنا، بررسی شاخصه‌های معماری، بررسی متون تاریخی و جغرافیایی، بررسی شواهد سکه‌شناسی بدست آمده از سازنده بنا و سلسله حاکم بر منطقه، نقد و تحلیل اکثر تحقیقات داخلی و خارجی صورت گرفته درباره این اثر، جمع‌بندی کلی از قدمت و کارکرد اصلی بنا ارائه شود. نگارنده امیدوار است تألیف حاضر سرآغازی بر تحقیقات تکمیلی بعدی درباره این اثر ارزشمند تاریخی شهرستان داراب باشد.

در ادامه وظیفه خود می‌دانم از تمامی عزیزانی که در نگارش این اثر نگارنده را یاری کردند

سپاسگزاری کنم. استاد عمادالدین شیخ‌الحکمایی برای نقطه‌نظرهای مهم و تأثیرگذارش و همچنین زحمت بازخوانی کتیبه‌های مسجد سنگی پس از گذشت چندین سده از زمان نوشته شدن آن. آقای ابوالحسن صادقیان برای همفکری و تشویق‌های همیشگی. آقای محمد حکمت برای همراهی همیشگی‌اش در تهیه عکس. دکتر محمد باقر مهاجر برای آموخته‌هایم از ایشان در سالیان متوالی. دکتر صمد فتوحی برای همفکری و مطرح کردن دیدگاه‌های جدید در مطالعه بنا. آقای محمود بهره‌مند برای حضور تأثیرگذارش در بازدیدهای مکرر مسجدسنگی. دکتر سجاد علی بیگی برای معرفی مقالات جدید، مهندس نادر عسکری برای همکاری ایشان در بازدید از مسجد سنگی در طول عملیات مرمت این بنا. آقای رضا کلانی به‌خاطر همراهی همیشگی و دقت نظرش در بازخوانی نهایی متن. خانم مهندس فرانک بحرالعلومی برای ترجمه مقاله‌ای از آلمانی. دکتر غلامحسین مهرابی برای در اختیار قراردادن نسخه‌ای از تصحیح ارزشمندشان از کتاب دفتر دلگشا. پژوهشگر جوان آقای حسین بحرالعلومی برای در اختیار قرار دادن نسخه‌ای از مقاله و طراحی‌های مسجد سنگی. آقای سید ابوالقاسم تحریری برای در اختیار قرار دادن دو قطعه عکس ارزشمند از دوران رونق آسیاب سنگی. دکتر رسول اخگر برای در اختیار قرار دادن تصویر یک قطعه سکه مسی مکشوفه از قلعه بهمن فورگ.

در پایان سپاسگزار همسر و دخترم آترین هستم که با فراهم کردن شرایطی مساعد امکان نگارش اثر حاضر را برای من فراهم کردند.

تهران - مهرماه ۱۳۹۵

مسجد سنگی داراب یکی از شاخص‌ترین دست‌کندهای صخره‌ای شناخته شده ایران است. این اثر تاریخی بالاتر از حاشیه شمال شرقی دشتی که شهر دارابگرد در آن واقع است و در ده کیلومتری غرب این شهر باستانی و در شش کیلومتری شمال غربی شهر کنونی داراب^۱ در مسیر داراب به جنت شهر (ده‌خیر سابق)، در نزدیکی روستای خیرآباد و در بخشی از برآمدگی کوهی که به نام «کوه‌پهنا»^۲ معروف است، قرار دارد. بنای مسجد سنگی درون صخره‌ای منفرد و در قسمت انتهایی کوه‌پهنا، جایی که این دیواره طبیعی دیگر به دشتی که شهر باستانی دارابگرد در آن قرار دارد مشرف نیست، ساخته شده است.

بنای مسجد سنگی پس از شهر باستانی دارابگرد و نقش برجسته ساسانی، سومین اثر تاریخی معروف و شناخته شده شهر داراب است. با توجه به وجود چندین کتیبه مهم تاریخی در بخش‌هایی از این اثر، بررسی و ارائه خوانشی درست از این کتیبه‌ها می‌تواند کمک شایان توجهی در شناسایی قدمت بنا، کارکرد تاریخی آن و شناسایی بانی این اثر تاریخی کند.

این اثر تاریخی شامل چهار کتیبه است:

- ۱- کتیبه بانی بنا بر سردرِ رواق ورودی مسجد سنگی
- ۲- کتیبه سال منقور بر دیواره جنوب شرقی مسجد سنگی در سمت چپ رواق ورودی (این کتیبه در واقع ادامه کتیبه پیشین است.)
- ۳- کتیبه محراب اسلامی
- ۴- کتیبه یادگاری (تفنی) بر یکی از ستون‌های مسجد سنگی

۱. شهرستان داراب از توابع استان فارس است که در فاصله ۲۴۵ کیلومتری جنوب شرقی شیراز در مسیر شیراز به بندرعباس قرار دارد.

۲. کوه‌پهنا: در راستای رشته کوه‌های زاگرس در فارس است. این ارتفاعات در جنوب شهر داراب قرار دارد. با توجه به مسطح بودن قله این کوه، به نام کوه‌پهنا معروف شده است.

این کتیبه‌ها، به خصوص کتیبه سر در رواق ورودی با توجه به صدمات وارده و تراوش موادی سیاه‌رنگ از بدنه کوه به سختی قابل خواندن است. کتیبه‌های اطراف محراب نیز در حال دچار شدن به سرنوشت مشابهی با کتیبه بالای ایوان ورودی است.

۱-۱- کتیبه بانی بنا بر سردر رواق ورودی مسجد سنگی

این کتیبه در چهار خط و در فضای هلالی شکل بالای ورودی بنا نقر شده است. در مورد کتیبه سردر رواق ورودی، نخستین قرائت‌ها به سده گذشته در عصر قاجار بر می‌گردد. حسن حسینی فسایی مؤلف فارسنامه ناصری این بنا را بتکده یا عبادت‌خانه مجوس دانسته و در طرحی که از این اثر در سال ۱۳۰۴ ه.ق. / ۱۸۸۶ م / ۱۲۶۵ ه. ش. ترسیم کرده متن کتیبه را چنین بازخوانی کرده است:

«السلطان ابوالمظفر اتابک ابوبکر بن ابوالمظفر اتابک سعدبن زنگی سلغری»^۱

قرائت بعدی به فاصله کمی در سال ۱۳۰۷ ه.ق. / ۱۸۸۹ م / ۱۲۶۸ ه. ش. توسط فرصت‌الدوله شیرازی مؤلف کتاب آثار عجم صورت گرفته است. این نویسنده نیز این بنا را معبد آتش‌پرستی نامیده و خط کتیبه را ثلث جلی تشخیص داده و اشاره می‌کند کلماتی مثل «اتابک» و «بکر» قابل خواندن است و نتیجه می‌گیرد این نام می‌تواند «اتابک ابوبکر بن سعدبن زنگی» باشد. او در نقاشی‌ای که از این کتیبه و بنای مسجد سنگی تهیه کرده بود این عبارت را نوشته است. «خدای جل‌السلطان ابن سلطان ابوبکر سعدبن زنگی».^۲

به‌نظر می‌رسد واژه «السلطان» و «السلطان بن سلطان» که حسینی فسایی و فرصت شیرازی در کتیبه مسجد سنگی قرائت کرده‌اند را بتوان برداشت آنها از القاب رایج در دوره قاجار دانست.^۳ هرچند قاجارها ابداع‌کننده این لقب نبوده‌اند. زیرا نمونه‌های قدیمی‌تری از کاربرد این لقب در سده ۸ ه.ق. نیز قابل مشاهده است.^۴ اما به‌طور کلی برداشتی معاصر از

۱. حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، جلد دوم، ۱۳۷۶، صص ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰، تصویر ۲۰۰.

۲. حسینی شیرازی (فرصت‌الدوله)، آثار عجم، تصحیح منصور رستگار فسایی، جلد دوم، ۱۳۷۷، صص ۱۶۲، ۱۶۴ و ۱۶۵، نقاشی شماره ۹.

۳. عبارت «السلطان بن سلطان» از زمان فتحعلی‌شاه قاجار بر روی سکه‌ها مرسوم شده و تا انقراض سلسله قاجار بر روی سکه‌های سایر پادشاهان این سلسله نیز قابل مشاهده است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: شهبازی فراهانی، داریوش. تاریخ سکه (دوره قاجاریه)، ۱۳۸۰، برای دیدن این القاب بر سکه‌ها: سکه فتحعلی‌شاه، ص ۱۲۲، سکه محمدشاه، ص ۱۳۸، سکه ناصرالدین‌شاه، ص ۱۴۷، سکه مظفرالدین‌شاه، ص ۱۶۳، سکه محمدعلی‌شاه، ص ۱۶۷ و سکه احمدشاه، ص ۱۷۲، بر روی سکه‌های این شش پادشاه عبارت «السلطان بن سلطان» مشاهده می‌شود.

۴. کتیبه‌ای به خط نسخ، مورخ ۷۷۳ ه.ق. بر پنجره سوم کاخ داریوش اول هخامنشی در تخت جمشید نقر شده است. این کتیبه مربوط به افرادی از خاندان آل مظفر است و در آن عبارت «السلطان بن السلطان و الخاقان بن ←

کتیبه‌های قدیمی در دوره باستان نیز دیده می‌شود.^۱

اعتبار دو نویسنده نامبرده و اهمیت نوشته‌های آن‌ها در شناسایی و معرفی آثار تاریخی فارس سبب شده پژوهشگران جدید در مورد کتیبه‌های مسجد سنگی به قرائت‌های این دو نویسنده استناد کرده و در تمامی تحقیقات بعدی این بنا را آتشکده‌ای ساسانی بدانند که توسط اتابکان فارس تعمیر و به مسجد تبدیل شده است.^۲ اما در بررسی‌های جدید صحت قرائت‌های دوره قاجار مورد تردید قرار گرفته است.^۳ در این بررسی‌ها کتیبه سردر ایوان ورودی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است که دلیل این توجه اهمیتی است که در مشخص کردن نام بانی بنا یا تغییردهنده کاربرد بنا داشته است. کتیبه مزبور را هیأت اعزامی دانشگاه بروکلین^۴ نسخه‌برداری کرده است. لیونل بیر^۵ بر مبنای قرائت صورت گرفته از این کتیبه توسط شیلابلر^۶ عنوان می‌کند که در این کتیبه واژگانی چون «رباط و مسجد» خوانده شده است.^۷

← الخاقان» دیده می‌شود. برای متن این کتیبه بنگرید به: مخلص، محمدعلی، پژوهشی در کتیبه‌های دوران اسلامی تخت جمشید، ۱۳۸۴ صص ۱۱۸ و ۱۱۹.

۱. به عنوان مثال در متون یونانی اشاره شده در هنگام بازدید اسکندر مقدونی از آرامگاه کورش دوم (ملقب به کبیر) کتیبه‌ای به این مضمون در آنجا وجود داشته است: «من کورش پسر کمبوجیه هستم که به ایرانیان حکومت دادم و پادشاه آسیا هستم. بر این آرامگاه من رشک مبر» امروزه در پاسارگاد اثری از این کتیبه وجود ندارد. اما جمله «به من رشک مبر» یا زاده افکار یونانیان است یا به احتمال قوی‌تر اطلاق عبارت یونانی مرسوم در دوره اسکندر به دوره‌ای قبل‌تر یعنی دوره کورش دوم است. زیرا فعل رشک مبر غالباً بر سنگ آرامگاه‌های یونانی به صورت عبارت «به من رشک مبر» دیده می‌شود. بنگرید به: داندامایف، م. آ. ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ترجمه روحی ارباب، ۱۳۷۳، ص ۵۳ و ص ۵۴ یادداشت ۱.

۲. به عنوان مثال تأیید این نظریه که کتیبه‌های این بنا مربوط به عصر اتابکان فارس است، را می‌توان در آثار زیر دید: مصطفوی، سید محمدتقی، اقلیم پارس، ۱۳۷۵، ص ۹۲ و همچنین: ویلر، دونالد. ن، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی، ترجمه عبدالله فریار، ۱۳۶۵، ص ۱۱۷. و همچنین: فتوحی‌قیام در مقاله سه مسجد اتابکی، با بررسی مسجد سنگی داراب، مسجد جامع نوشیراز و مسجد اتابکی پاسارگاد این آثار را از جمله بناهای عصر اتابکان فارس دانسته است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: فتوحی قیام، منصور، سه مسجد اتابکی، [همایش معماری مساجد] جلد اول، ۱۳۷۸، صص ۳۴۶-۳۷۵.

۳. دیتریش هوف در بررسی مسجد سنگی به ضرورت قرائت مجدد کتیبه‌های این اثر تاریخی تأکید کرده و قرائت‌های صورت گرفته در سده گذشته را مورد تردید قرار داده بود. بنگرید به: هوف، دیتریش، داراب پایتخت ایالتی، ترجمه فرامرز سمعی، ۱۳۷۴، ص ۴۱۸.

۴. دانشگاه بروکلین در نیویورک آمریکا قرار دارد.

5. Lionel Bier

6. S. Blair

7. Bier, L. The Masjid-I Sang Near Dārāb and the Mosque of Shahr-I Īj: Rock-Cut Architecture of the Ilkhanid Period, 1986, P.128.

کلمهٔ رباط به کار رفته در این کتیبه در زبان فارسی و عربی به معنای پاسگاه مرزی، کاروانسرای، خانقاه، نوانخانه، غریبخانه، مهمانسرای، قلعه، معبد، دارالعلم و معانی مجازی دیگر به کار برده شده است.^۱ گاه یک بنای رباطی در مسیر تاریخی خود نخست قلعهٔ نظامی و بعد کاروانسرا و سپس محل تجمع درویشان و صوفیان بوده است.^۲ در متون تاریخی و جغرافیایی سده‌های نخستین اسلامی، به وجود رباط و خانقاه‌های متعددی در ایالت فارس اشاره شده است. به نظر می‌رسد برپاساختن و ادارهٔ آنها در سدهٔ ۶ و ۷ ه. ق بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته بود و کانون‌های رباطی یکی از مؤسسات مهم اجتماعی آن عصر به شمار می‌رفته‌اند.^۳ اما معنا و چگونگی به‌کارگیری این واژه در سرزمین‌های مختلف متفاوت بوده است. به عنوان مثال در منطقهٔ شام و مصر هر دو واژهٔ خانقاه و رباط به کار می‌رفته در صورتی که در فارس کلمهٔ رباط به جای خانقاه کاربرد بیشتری داشته است.^۴

قابل ذکر است در کتاب فردوس المرشدیه که در سدهٔ ۸ ه. ق به رشتهٔ تحریر درآمده است^۵

← یکی از اولین اشارات در فارسی به مقالهٔ بیر (Bier) در مقالهٔ زیر قابل مشاهده است: شکاری نیری، جواد، معماری صخره‌ای در فرهنگ و تمدن اسلامی (مسجد سنگی داراب)، مجلهٔ معماری و شهرسازی، شمارهٔ ۲۸ و ۲۹ سال ۱۳۷۳، صص ۵۴ الی ۶۱. شکاری نیری در بازدید از مسجد سنگی در سال ۱۳۷۱، یعنی ۶ سال پس از انتشار مقالهٔ بیر به استناد مقالهٔ بیر ضمن رد نظریهٔ انتساب مسجد سنگی داراب به اتابکان فارس، این اثر را به ملوک شبانکاره منتسب می‌کند و اشاراتی نیز به کتاب مجمع‌الانساب شبانکاره‌ای دارد. اما در این مقاله اشتباهاتی دیده می‌شود. از جمله نگارنده قرائت کتیبه را که توسط شیدا بلر صورت گرفته به «خانم بلایر» منتسب می‌کند و همچنین نام قرائت شده بر محراب مسجد سنگی که در مقالهٔ بیر به صورت «محمد بن المبارز بن الحسن» خوانده شده و مهم‌ترین دستاورد مقالهٔ بیر بوده را به اشتباه «محمد بن الجبارز بن الحسن» خوانده است. هرچند این مورد می‌تواند حاصل اشتباه تایپی باشد. (همان مقاله ص ۵۹)

۱. علاوه بر معانی ذکر شده فرای متذکر شده کلمهٔ رباط پس از انتقال به نزد بلغارهای ولگا در وقایع نامه‌های قدیمی روسی به شکل ropat به معنای «مسجد» ظاهر شده است. بنگرید به: هیلن برند، روبرت معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، ۱۳۸۳، صص ۳۴۱ و ۳۴۲ در این اثر هیلن برند در ۴۵ صفحه به میحث کاروانسرا در تمدن اسلامی پرداخته است.

۲. کیانی (میرا)، محسن، تاریخ خانقاه در ایران، ۱۳۸۹، ص ۶۶.

۳. همان، ص ۱۶۵.

۴. همان، ص ۱۶۳.

۵. کتاب فردوس المرشدیه فی الاسرار الصمدیه اثر محمود بن عثمان در اصل ترجمه‌ای فارسی از رساله‌ای کهن‌تر است که توسط فردی به نام «خطیب ابوبکر بن محمد بن عبدالکریم بن علی بن سعد» در نیمهٔ دوم سده ۵ ه. ق به عربی نوشته شده بود. خطیب ابوبکر متوفی به سال ۵۰۲ ه. ق است و کتاب او در شرح احوال ابواسحاق کازرونی نگاشته شده بود. با توجه به اینکه شیخ ابواسحاق در سال ۴۲۶ ه. ق فوت کرد پس فاصلهٔ زمانی چندانی بین نویسنده و شیخ ابواسحاق وجود ندارد. این رسالهٔ عربی بعدها در سال ۷۲۸ ه. ق با ملحقاتی ←

حکایتی به نقل از فردی به نام «محمد بن اسحق بن عبدالله المزکانی» ذکر شده که قاضی دارابگرد^۱ که عبدالله بن مهدی نام داشته و هم‌دوره با شیخ ابواسحاق کازرونی (نیمه دوم سده ۴ ه.ق و ربع اول سده ۵ ه.ق) می‌زیست در دارابگرد رباطی احداث و خدمت درویشان می‌کرد.^۲ این امر بیانگر این نکته است که قبل از بنای مسجد سنگی داراب با کارکرد دوگانه رباط و مسجد، ساخت رباط در این شهر مسبوق به سابقه بوده است. در کتاب فردوس المرشدیه در روایتی دیگر یکی از صوفیان معروف دارابگرد را «شیخ حسن دراکردی»^۳ معرفی و اشاره می‌کند که او در دراکرد (دارابگرد) خانقاهی ساخته و به خدمت درویشان مشغول بوده است. به استناد این اثر بعد از شیخ حسن، پسر نیکوسیرت او ابوالحسین عهده‌دار امور خانقاه بوده و هر دوی آنها در دارابگرد درگذشتند.^۴ احسانی معتقد است کلمه رباط، بنابر نامگذاری قدیم به کاروانسراهایی اطلاق می‌شده که پیش از دوره سلجوقیان احداث شده بودند.^۵ این نظر محتملاً می‌تواند درست باشد. اما او در ادامه می‌نویسد کلمه رباط هیچ‌گاه در کتب و نوشته‌ها برای بناهای پس از سلجوقیان کاربرد نداشته است.^۶ اما با توجه به قرائت کلمه رباط در کتیبه مسجد سنگی داراب که مربوط به سده ۷ ه.ق است و کلمه اربطه به معنای جمع رباط در کتاب مجمع الانساب شبانکاره‌ای که مربوط به سده ۸ ه.ق است اثبات می‌شود این کلمه در دوران پس از سلاجقه نیز کاربرد داشته است. قابل ذکر است در سفرنامه سِر ویلیام اوزلی^۷ که در سال ۱۸۱۱ م/ ۱۲۲۶ ه.ق/ ۱۱۹۰ ه.ش از مسجد سنگی بازدید کرده این بنا به نام «کاروانسرای دُوب»^۸ نامیده می‌شد.^۹ با توجه به این که بنای مسجد سنگی به استناد قرائت‌های جدید از کتیبه رواق ورودی علاوه

← توسط محمود بن عثمان به فارسی ترجمه می‌شود. برای اطلاعات بیشتر درباره کتاب فردوس المرشدیه بنگرید به: مایر، فریتز، فردوس المرشدیه در: [گفتارهای ایران‌شناسی] ترجمه کی‌کاووس جهان‌داری، ۱۳۹۲، صص ۲۳۹ الی ۲۷۳.

۱. در متن فردوس المرشدیه دارابگرد به صورت دارالجرد آمده است.
۲. محمود بن عثمان، فردوس المرشدیه، به کوشش ایرج افشار، ۱۳۵۹ ص ۱۶۷.
۳. صحیح این واژه باید دارابگردی یا دارابگردی باشد نویسنده فردوس المرشدیه یا به احتمال قوی‌تر نسخه نویسنده این اثر علاوه بر مورد بالا نام دارابگرد را نیز اشتبهاً به صورت دارالجرد ثبت کرده است.
۴. فردوس المرشدیه، ص ۳۹۸.
۵. احسانی، محمدتقی، یاد از کاروانسراها، رباط‌ها و کاروان‌ها در ایران، ۱۳۸۱ ص ۲۰.
۶. همان، ص ۲۰.
۷. S.W.Ouseley
۸. اوزلی نام مسجد سنگی را به صورت Doob یا Caravansera-i-Dúb ثبت کرده است. دهخدا واژه دُوب را به معنای کوشش نمودن و کاری را به سختی انجام دادن معنا کرده است. این نامگذاری می‌تواند اشاره‌ای به ساخت دشوار بنای مسجد سنگی باشد. قابل ذکر است گردنه مشرف به بنای مسجد سنگی در گذشته‌ای نه چندان دور به عنوان «گردنه دُوک» معروف بوده اما امروزه این گردنه به نام «گردنه خیرآباد» شهرت دارد.

بر مسجد به عنوان رباط یا کاروانسرا نیز معرفی شده می‌توان همزمان برای این بنا دو کارکرد در نظر گرفت. هم مکانی با کاربردی اقتصادی و هم مکانی عبادی. نمونه بارز این تلفیق را می‌توان در کاروانسرای ده نمک^۱ مربوط به دوره صفویه و کاروانسرای علی آباد^۲ مربوط به دوره قاجار نیز مشاهده کرد که در یک مجموعه بزرگ علاوه بر کاروانسرا جهت استراحت کاروانیان، بناهایی مانند آسیاب، نانویی، حمام، آب انبار، دکان، اصطبل و... نیز وجود داشت.^۳

در مورد مسجد سنگی داراب نیز به نظر می‌رسد در دوران رونق و آبادانی آن محتملاً به دلیل افزایش جمعیت اقداماتی برای وسعت بخشیدن به بنا صورت گرفته باشد که از آن جمله می‌توان به اضافه کردن دو اتاقک جنبی با درهایی به سمت بیرون در چپ و راست دیواره صخره قبل از ورود به مسجد سنگی اشاره کرد.^۴ به احتمال زیاد این بخش الحاقی در گذشته مسقف بوده است. شاید بتوان برای این دو فضای الحاقی مسقف و اتاقک کنار ورودی مسجد سنگی، کارکرد رباط را در نظر گرفت. زیرا از نظر شرعی امکان اسکان و بیتوته کردن مسافر درون مسجد وجود نداشته است. قابل ذکر است با دقت در خط دوم کتیبه سردر رواق ورودی نام «محمد المبارز» قابل خواندن است. این نام در کتیبه محراب اسلامی این بنا نیز تکرار شده است.^۵ «محمد بن المبارز بن حسن» یکی از ملوک شبانکاره است که بین سالهای ۶۲۴ الی ۶۵۹ هـ. ق حکومت کرد. وجود این نام خط بطلانی است بر قرائت‌های دوره قاجار که به وجود نام اتابک ابوبکر در این کتیبه اشاره کرده‌اند. با توجه به اینکه در متون تاریخی به اختلافات سیاسی و جنگ‌های محمد بن مبارز بن حسن با اتابک ابوبکر اشاره شده است،^۶ این امکان که حاکم شبانکاره نام اتابک فارس را در کنار نام خود بر کتیبه آورده باشد نیز منتفی است.

بنابراین بر اساس خوانش‌های جدید بر کتیبه سردر ورودی بنای مسجد سنگی نام «محمد المبارز» و واژگانی چون «این رباط و مسجد» قابل بازخوانی است. صدمات وارده به کتیبه امکان تشخیص دیگر واژگان را دشوار کرده است. اما به‌طور کلی مهمترین نتیجه‌ای که از خوانش

۱. کاروانسرای ده‌نمک در حاشیه جاده گرمسار به سمنان قرار دارد.

۲. کاروانسرای علی‌آباد در جاده تهران به قم قرار دارد.

۳. کیانی، محمدیوسف. معماری ایران دوره اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹.

۴. هوف، دیتیش، داراب پایتخت ایالتی، ص ۴۱۸.

۵. نخستین خوانش این نام بر محراب مسجد سنگی در مقاله بیر ارائه شده است. بیر براساس طرحی که از محراب مسجد سنگی ترسیم کرده نام «المبارز بن الحسن» را خوانده است. بنگرید به:

Bier, ibid, P.121, Fig 3 et P.129 note 14.

۶. به عنوان مثال شبانکاره‌ای می‌نویسد: «و دائماً میان او و اتابک شیراز جنگ قائم بودی و اتابک از وی بشکستی با وجود آنکه لشکرش صد یک لشکر اتابک نبود» بنگرید به: شبانکاره‌ای، مجمع‌الأنساب، تصحیح میرهاشم محدث، ۱۳۷۶ ص ۱۶۱.

واژگان باقی‌مانده کتیبه ورودی مسجد سنگی می‌توان دریافت این است که در سال ۶۵۲ ه. ق این بنا با کارکرد مسجد و رباط (کاروانسرا) و بدستور یکی از ملوک شبانکاره به نام محمدبن مبارز بن حسن احداث و مورد استفاده قرار گرفت.

شبانکاره‌ای در کتاب مجمع‌الانساب محمدبن مبارز را فردی دین‌دار و سازنده و بانی بنای مسجد سنگی و آسیاب سنگی دارابجرد معرفی می‌کند. او می‌نویسد:

«و چندان عمارات و خیرات که او کرده هیچ ملک از ملوک اطراف نکرده، از بناها و مساجد و اربطه^۱ و خانقاه‌ها و خانه‌ها و بول‌ها^۲ و بناهای عالی مشکل بر دست گرفتی و همه تمام شدی و همتی عالی داشت.»^۳

در ادامه نویسنده مجمع‌الانساب شرح مستندی از بنای مسجد سنگی و آسیاب نزدیک آن دارد که می‌توان آن را قدیمی‌ترین توصیف^۴ و شرح موجود از این دو اثر دانست:

«و در راه دارابجرد چهار صفا با چهار شبستان با پیش در و با مردرو^۵ با پیش طاقی از یک پاره سنگ مفرد برآورده که هیچ جای وصلی و درزی نیست همچون پنیر فرو بریده و در پهلوی آن دو آسیاب همه از سنگ یک پاره ساخته هر که بیند گوید به روزگار سلیمان ساخته‌اند و در هیچ ولایتی از ولایات شبانکاره نیست که او عمارتی بدین وجه غریب عالی نساخته و اوقاف^۶ بسیار فرموده و نظر او همه بر دین و خیرات بوده.»^۷

۱. اربطه جمع رباط است. ۲. منظور از واژه بول‌ها در این متن باید پُل‌ها باشد. ۳. همان، ص ۱۶۰. ۴. کتاب مجمع‌الانساب شبانکاره‌ای حدوداً در سال ۷۳۳ ه. ق نوشته شده است. پس با توجه به کتیبه بنای مسجد سنگی که اشاره به سال ۶۵۲ ه. ق دارد، فاصله زمانی احداث مسجد تا نگارش کتاب حدوداً ۸۱ سال برآورد خواهد شد.

۵. واژه مردرو را دهخدا (ذیل واژه) راه، راه تنگ، معبر و گذرگاه معنی کرده است. ۶. وجود موقوفات و رسم وقف کردن در دوره ملوک شبانکاره علاوه بر کتاب مجمع‌الانساب، شاهد دیگری نیز در «مکتوبات رشیدی» که شامل نامه‌هایی به فارسی از خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است دارد. خواجه رشیدالدین به عنوان وزیر بزرگ سه ایلخان مغول (غازان خان، اولجایتو و ابوسعید) خدمت کرد. مکتوبات او شامل ۵۴ نامه است که خواجه به فرزندان خود یا به دیوانیان نوشته است. در نامه شماره ۳۷ خواجه موقوفاتی را در ولایات شبانکاره و نیریز وقف دو مدرسه در شبانکاره (دارابجرد) کرد. تولیت این دو مدرسه به مولانا عضدالدین ایجی و فرزندان او واگذار شد. علاوه بر این، موقوفات دیگری نیز در گرمسیرات شیراز (منظور برگ/ پرگ/ فرگ) به مدارس شبانکاره اختصاص یافته بود. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به:

رشیدالدین فضل‌الله همدانی، سوانح الافکار رشیدی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران ۱۳۵۸، صص ۱۸۵ و ۲۱۰ و ۲۱۲. برای اطلاعات بیشتر درباره عضدالدین ایجی بنگرید به: حسینی، معتصم، شبانکاره، کردان باستان، گذشته و پراکندگی آن، ۱۳۹۴، صص ۲۰۲ الی ۲۰۴.

۷. مجمع‌الانساب، ص ۱۶۱.

نخستین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که شبانکاره‌ای نام خاصی برای این بنا ذکر نمی‌کند و به سادگی آن را بنایی چهار صفه‌ای با چهار شهبستان می‌نامد. این توصیف فقط اشاره‌ای است به نقشه درونی بنا و نه نام مرسوم این بنا در دوره مورد بحث. شاید شهرت زیاد سازه به عنوان مسجد و رباط در زمان نگارش کتاب مجمع‌الانساب سبب شد تا نویسنده در توصیف خود ضرورتی برای تأکید بر مسجد بودن این بنا احساس نکند.

گفتار نویسنده کتاب مبنی بر این که «محمد بن مبارز بن حسن» در احداث بناهای تاریخی کوشا بوده مقرون به صحت است. زیرا علاوه بر بنای مسجد سنگی و آسیاب سنگی داراب نام وی بر کتیبه محراب مسجد جامع نیز آمده است. از آنجایی که مسجد جامع نیزیز چندین کتیبه قدیمی‌تر نیز دارد می‌توان نتیجه گرفت که محمد بن مبارز فقط مسجد جامع نیزیز را تعمیر کرده بود.^۱ در یکی دیگر از منابع تاریخی دوره مورد بحث یعنی «منتخب‌التواریخ معینی» نیز تلویحاً و بدون ذکر نام بنا به سازندگی‌های دوره محمد بن مبارز اشاره شده است. معین‌الدین نطنزی می‌نویسد:

«اکثر بقاع خیر که در شبانکاره است او [مظفرالدین محمد] انشا کرده.»^۲

این تأیید در کتاب تاریخ و صاف نیز دیده می‌شود.^۳ به هر حال توصیف مندرج در کتاب مجمع‌الانساب مورخ ۷۳۳ ه. ق قدیمی‌ترین توصیف موجود از بنای مسجد سنگی است. نویسنده این اثر صراحتاً احداث و ساخت مسجد سنگی و آسیاب سنگی را به محمد بن مبارز بن حسن، از ملوک شبانکاره منسوب می‌دارد. هوف تنها با بررسی شاخصه‌های معماری این اثر و ساختار تاق‌ها و بدون آگاهی از وجود متن تاریخی همدوره با زمان ساخت بنا، هرگونه احتمال باستانی بودن این اثر را مردود دانسته و با اطمینان این بنا را یک اثر اسلامی می‌داند.^۴

۲-۱- کتیبه سال احداث بر دیواره مسجدسنگی و کتیبه مشابه بر دیواره آسیاب سنگی

کتیبه دوم بر دیواره سمت چپ و در ابتدای ایوان جنوب شرقی در دو خط نوشته شده است.

1. Gropp.G. Nadjmadadi.S. Bericht über Eine Reise in West-und Südiran, in: [Archäologische Mitteilungen aus Iran], vol 3, 1970, P 225.

۲. معین‌الدین نطنزی، منتخب‌التواریخ معینی، تصحیح پروین استخری، ۱۳۸۳ ص ۹.

۳. و صاف الحضرة، تاریخ و صاف الحضرة، تصحیح علیرضا حاجیان‌نژاد، جلد چهارم، ۱۳۸۸، صص ۶۵ و ۶۶ و همچنین: آیتی، عبدالمحمد، تحریر تاریخ و صاف، ص ۲۳۳. و صاف تنها ۷۵ سال پس از آغاز فرمانروایی محمد بن مبارز، کتاب خود را در شیراز نوشته است. بنگرید به: جواهری، پرهام و جواهری، محسن، چاره آب در تاریخ فارس، جلد یکم، ۱۳۷۸، ص ۲۳۹.

۴. هوف، دیتريش، داراب پایتخت ایالتی، ص ۴۱۸.

این کتیبه نسبت به بقیه کتیبه‌های مسجد، از وضعیت بهتری برخوردار است.^۱ متن این کتیبه به شرح زیر است: (بنگرید تصویر ۲ - الف و ب و ج)

خط اول: فی رمضان سنه اثنی و

خط دوم: خمسين و ستمانه

این کتیبه دلالت بر ماه رمضان سال ۶۵۲ ه. ق برابر با ۵۵-۱۲۵۴ م/ ۶۳۳ ه. ش دارد. این کتیبه را می‌توان کتیبه سال احداث بنا یا به احتمال دیگر کتیبه پایان تعمیرات بنا و تبدیل آن به مسجد مسلمانی دانست.

این کتیبه با اندکی تفاوت در متن بر دیواره سمت چپ تونل ورودی آسیاب مقابل مسجد سنگی نیز دیده می‌شود. خط اول کتیبه آسیاب سنگی به نظر می‌رسد برای نوشتن کتیبه تعمیرات دوره قاجار عمداً محو شده است. اما در بقایای اندک باقی مانده از کتیبه می‌توان کلمه رباط را خواند. خط دوم از نظر متن شبیه به متن کتیبه مسجد سنگی است و مورخ ماه رمضان سال ۶۵۲ ه. ق است. مقایسه این دو کتیبه با هم بر شروع همزمان فعالیت اقتصادی و مذهبی این دو بنا در رمضان سال ۶۵۲ ه. ق دلالت دارد. اصالت کتیبه سال نوشته شده بر دیوار مسجد سنگی و آسیاب سنگی (مورخ سال ۶۵۲ ه. ق) با رجوع به کتاب مجمع الانساب تأیید می‌شود. زیرا محمدبن مبارزبن حسن تا سال ۶۵۹ ه. ق حکومت کرد و در این سال درگذشت.^۲ قابل ذکر است در دیگر کتاب بر جای مانده از این دوره یعنی دفتر دلگشا نیز بدون ذکر سال تلویحاً به انتقال آب از رودخانه رودبال^۳ به این منطقه اشاره شده است.^۴

۳-۱- کتیبه محراب اسلامی مسجد سنگی

محراب یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های معماری دینی در مساجد اسلامی است. به‌طور

۱. با دقت در سطح تسطیح شده‌ای که برای نگارش این کتیبه ایجاد شده مشاهده می‌شود کادر تسطیح شده بزرگتر از متن کتیبه است اما هنرمند کاتب از تمامی این فضایی تسطیح شده برای نقر کتیبه استفاده نکرده است.

۲. مجمع الانساب تاریخ مرگ محمدبن مبارز را روز جمعه سادس (ششم) صفر سنه تسع و خمسين و ست مائه (۶۵۹ ه. ق) ذکر کرده است. بنگرید به: مجمع الانساب، ص ۱۶۶. اما منتخب التواریخ معینی تاریخ مرگ محمد بن مبارز را سنه ثمان و خمسين و ست مائه (۶۵۸ ه. ق) عنوان کرده است. بنگرید به: منتخب التواریخ معینی، ص ۱۰.

۳. این رودخانه دارای حوضه آبریزی به مساحت ۱۱۵۰ کیلومتر می‌باشد و در شمال شرقی دشت داراب در یک فلات کوهستانی مرتفع قرار دارد. جریان عادی رودخانه از دو چشمه تشکیل می‌شود که اولی از دره سمت چپ در محل اتصال دو دره به نام هشی‌رود/هشی‌رود و دومی به فاصله ۱۵ کیلومتر بالاتر از این محل در دره سمت راست به نام پهناور ظاهر می‌شود. سرچشمه اصلی این رودخانه از کوه زندان در شمال شهرستان داراب و در ارتفاع ۲۲۸۷ متری می‌باشد. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: شکور، غلامعلی، جغرافیای داراب، ۱۳۷۹ ص ۳۲.

۴. صاحب شبانکاره‌ای، دفتر دلگشا، ۱۳۸۹ ص ۲۶۲.